

دو جهان

بر پایهٔ گاهان، انسان در دو جهان می‌زید:

یکی جهانِ هستی (آستوتات)

و دیگر جهانِ اندیشه‌ها (منگهو)

بیگمان آن خرد در آفرینش را
بدست می آورم از راه نیک اندیشی
ما باید چیره باشی بر هر دو نیرو
خواه در جهان مادی خواه در جهانِ اندیشه
بدست آوریم از راه اشا
بدین وسیله دُرست کاران میرسند به روشن بینی
زرتشت - گات ها - یسنا - هات ۲۸ بند ۲ (ف ر)

ما در جهانِ هستی زندگی می‌کنیم؛ جایی که پیرامونِ خود را می‌بینیم، از آن می‌آموزیم و درمی‌یابیم که چگونه زندگی‌مان را شکل می‌دهد. این قلمرو زیر فرمانِ قانون‌های طبیعت است. اگر بخواهیم زندگی‌ای پرمعنا و شادمانه داشته باشیم، باید این قانون‌ها را بشناسیم، با آن‌ها درگیر شویم و با طبیعت هم‌آهنگ زیست کنیم. گاهان ما را به چنین شیوه‌ای از زیستن راه می‌نماید.

در همان حال، در جهانِ اندیشه‌ها نیز به سر می‌بریم؛ جهانی که رفتارمان را می‌سازد، دریافت‌هایمان را رنگ می‌زند و بر هر گزینش ما اثر می‌گذارد. هرچه دانش پیش می‌رود، رازهای بیشتری از ذهن گشوده می‌شود؛ اما آنچه هنوز ناشناخته می‌ماند، به باور بدل می‌گردد. انسان آنچه را نتواند بیازماید، باور می‌کند. و چون اندیشه‌ای به باور تبدیل شد، ریشه می‌دواند و دگرگون‌کردنش دشوار می‌شود.

پایدارترین این باورها دربارهٔ خدا و جهانِ پس از مرگ است: بهشت، دوزخ و روان.

گاهان ما را فرامی‌خواند که پیوسته نگرشِ خود را نو کنیم و جهانِ اندیشه‌ها را به جهانِ هستی نزدیک‌تر سازیم. هرگاه تردید پدید آید، باید به طبیعت بازگردیم. طبیعت میلیون‌ها سال پیش از انسان بوده است و پاسخِ هر آنچه را که به‌راستی اهمیت دارد، در خود دارد.

و ایدون ما از آن باشیم
کسانی که نو سازند جهان را
جهان خرد را و جهان هستی را به هم برسانیم
و اشا هماهنگی را به ذهن آورد
زمانی که درک هست در شک
زرتشت - گات ها - یسنا هات ۳۰ بند ۹ (ف ر)

در گاهان، ذهن خشک و دگرگونی‌گریز با دیوپرستان پیوند داده می‌شود و زبان‌آور شمرده می‌شود. در جهانِ اندیشه‌هاست که پندارها سخت می‌شوند، به باور بدل می‌گردند و سرانجام به دین‌ها شکل می‌دهند. هر دین ناشناخته‌ها را به گونه‌ای دیگر تفسیر می‌کند و راه‌حلی خود را پیش می‌نهد. در گذر زمان، همین برداشت‌های گوناگون، جدایی و دشمنی و کشاکشِ دینی آفریده‌اند. سخت‌باوران (ارتدوکس) در شمارِ همین ذهن‌های خشک‌اند.

هرچه دانش فزونی گیرد و ناشناخته‌ها روشن شود، دیگر نه بیم می‌انگیزد و نه ستایش. از همین روست که دین و دانش کمتر همگام پیش می‌روند.

زرتشت از گمانه‌زنی درباره‌ی ناشناخته‌ها پرهیز می‌کند. درباره‌ی روان می‌گوید:

آنگاه که برای روان از کسی یاری می‌جویم،
آنچه مردمان ما می‌دانند— آنان که پشتیبان‌شان نیستم
چیزی غیر از راستی در خرد هستی
راستی فرا می‌خواند همچون برترین اندیشه‌ها
زرتشت— گات‌ها— یسنا- هات ۵۰ بند ۱ (ف ر)

در باب پیامدِ کردارهای زیان‌بار نیز، گاهان به بیم‌دادن و تهدید و کیفِ ایزدی تکیه نمی‌کند، بلکه از نتیجه‌های طبیعی گزینش‌های انسان سخن می‌گوید:

این را می‌پرسم
پیامد آن چیست
برای آنان که بر ضدِ آیین نیک سخن می‌گویند؟

آن‌ها بدی را فزونی می‌بخشند،
هستی را بی‌بهره از کامیابی راستین می‌سازند
آن‌ها می‌بینند که پشتیبانی دور می‌شود
از گروه‌هایی که هرگز دروغ نمی‌گویند
زرتشت— گات‌ها— یسنا- هات ۳۱ بند ۱۵ (ف ر)

به همان گونه، برای نیکوکاران وعده‌ی بهشت داده نمی‌شود؛ بلکه گفته می‌شود که آنان زندگی‌ای پُرکام می‌زیند و میراثی بر جای می‌نهند که نسل‌ها آنان را با ستایش یاد خواهند کرد.

گاهان مدعی شناختِ خدا نیست. بلکه می‌گوید هر کس باید دریافتِ خویش را از امرِ ایزدی بجوید و بیابد. از همین رو، واژه‌ی فارسی «خودآه» برای خُدا به کار می‌رود: «خود» + «آه»؛ یعنی بازآمدن به خویشتن. این تعبیر، ژرف‌ترین بیانِ خودشناسی است.

او که اش را به دُرستی می‌کاود
با اندیشه‌اش، از راه برترین نگاه‌داشت
از او اندیشه‌ها فرومی‌ریزد
که چالشی خردمندانه در بر دارد
پس، او خواهانِ بینشِ اهورا مزدا می‌شود
و نیز ارج می‌نهد
زرتشت— گات‌ها— یسنا- هات ۳۳ بند ۶ (ف ر)

هرگاه به ژرفای طبیعت می‌نگریم، در برابر پیچیدگی‌هایش فروتن و شگفت‌زده می‌شویم. در آن لحظه‌ها، آرزومندِ دیداری از آفریننده می‌گردیم و دل‌مان به نیایش می‌گراید. با این همه، زرتشت هرگز ادعا نمی‌کند که چنین دیداری داشته است.

در حقیقت، هیچ پیام آوری مدعی دیدنِ خدا نبوده است. این دین‌ها هستند که خدا را چنان تصویر می‌کنند که گویی به سیارهٔ کوچکِ ما دل بسته است، کردارِ ما را می‌پاید و بر پایهٔ آن پاداش یا کیفر می‌دهد.

در گذرِ زمان، دین‌ها برای رازهایی که خود ساخته بودند، پاسخ‌هایی پرداختند؛ و هرچه دانش پیش رفت، از راستی دورتر شدند و بر پیچیدگی افزودند.

اگر انسان بخواهد پیش رود، باید از جزم‌اندیشی بپرهیزد، دل به اندیشه‌های نو بسپارد، آمادهٔ اصلاحِ خطاهای خویش باشد و شهامتِ گام نهادن به پیش را داشته باشد.

شما خواسته نیک دارید

زندگی را با اندیشه‌های هوشمندانه سامان می‌دهی

خرد در هستی به شما اختیار انتخاب داده است

پیشرفت یا نابودی

وگرنه، هرگز پیشرفتی نخواهد بود

زرتشت - گات‌ها - یسنا - هات ۳۱ بند ۹ (ف ر)
